

# دکتر کوین ای. فردریک، والدنسیان‌ها، سخنرانی ۱۱ پروردگار محافظ، الیور کرامول

کوین فردریک و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کوین فردریک است در تدریسش در مورد تاریخ والدنسیان. این جلسه یازدهم است، لرد محافظ الیور کرامول.

عنوان این خطبه خاص لرد محافظ، الیور کرامول است.

این کتاب داستان قوم والدنسیان و چگونگی تأثیرگذاری کرامول و منشی‌اش، جان میلتن، در کمک به حفظ والدنسیان در دوران آزار و اذیت شدید را پوشش می‌دهد. با این حال، برای شروع، به دوم قرن‌تین نگاه می‌کنم از فصل چهارم آیه اول شروع می‌کنم و تا آیه هفتم ادامه می‌دهم. بنابراین، از آنجایی که به لطف خداست که ما در این خدمت مشغول هستیم، دل‌سرد نمی‌شویم.

ما از کارهای ننگینی که پنهان می‌کنیم، دست کشیده‌ایم. ما از حيله‌گری و تحریف کلام خدا امتناع می‌ورزیم. بلکه با بیان آشکار حقیقت، خود را در حضور خدا، در وجدان همه، مقبول می‌داریم.

و اگر بشارت ما پوشیده است، بر هلاک‌شدگان پوشیده است. در مورد ایشان، خدای این جهان ذهن‌های بی‌ایمانان را کور کرده است تا نور بشارت و جلال مسیح را که صورت خداست، نبینند، زیرا ما خود را اعلام نمی‌کنیم.

ما عیسی مسیح را خداوند و خود را به خاطر عیسی، بندگان شما اعلام می‌کنیم. زیرا خدایی که گفت: «نور از تاریکی بدرخشد»، همان خدایی است که در قلب‌های ما نمایان شد تا نور شناخت جلال خدا را در چهره عیسی بتاباند. اما ما این گنج را در کوزه‌های سفالی داریم تا روشن شود که این قدرت خارق‌العاده از آن خداست و از ما سرچشمه نمی‌گیرد.

این کلام خداوند است. شکر خدا. در اواسط قرن هفدهم، الیور کرامول قدرتمندترین مرد انگلستان و شاید قدرتمندترین رهبر پروتستان در تمام اروپا بود.

پس از یک دهه رهبری ارتش پروتستان انگلستان و پیروزی‌های مکرر بر ارتش پادشاه چارلز اول انگلستان، محبوبیت کرامول او را به بالاترین مقام کشور رساند. او در سال ۱۶۵۳ به عنوان لرد محافظ انگلستان برای حکومت بر کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان انتخاب شد. کرامول در طول پنج سال کوتاه تصدی خود به عنوان لرد محافظ، انگلستان را به سمت پذیرش اصول دموکراتیک که به نفع مردم عادی بود، هدایت کرد.

در آن بازه زمانی کوتاه، او همچنین نقش مهمی در بقای والدنسیان‌ها ایفا کرد. کرامول یکی از برجسته‌ترین حاکمان تاریخ مدرن اروپا بود، تا حدودی به این دلیل که او یک رهبر نظامی و سیاسی قدرتمند بود و تا حدی به دلیل قدرت و صلابت شخصیتش که تناقضاتی را در سبک رهبری او ایجاد می‌کرد، سبکی که در اجرا بین ظلم و خیرخواهی در نوسان بود. او به عنوان یک رهبر نظامی، یک استراتژیست درخشان بود.

او همچنین در آزار و اذیت دشمن خود، کاتولیک‌ها، به ویژه در ایرلند، شدید و بی‌رحم بود. از سوی دیگر، در سال‌های پایانی عمرش، در پارلمان از تحمل مذهبی فرقه‌های مخالف پروتستان حمایت کرد. کرامول با متحدان سیاسی خود رفتاری دلسوزانه داشت، اما با دشمنان سیاسی خود نیز با تحقیر آنها در صحن پارلمان

رفتاری بی‌رحمانه داشت و در برخی موارد، مخالفان سیاسی خود را به معنای واقعی کلمه با سلاح‌های قوی وادار به رأی دادن به نفع سیاست‌های خود می‌کرد.

برای درک ظهور برق‌آسای او به قدرت و نقش حیاتی که در رابطه با والدوسیان ایفا کرد، ابتدا باید مسائلی را که انگلستان را در دهه ۱۶۴۰ تحت تأثیر قرار داده بود، بررسی کنیم. برای دوره‌ای تقریباً ۱۰۰ ساله، از دهه تا ۱۶۴۰، کلیسای کاتولیک روم، در پاسخ به جنبش اصلاحات پروتستان، تلاش‌های زیادی را برای ۱۵۴۰، اصلاح خود انجام داد تا به انتقادات بسیاری که توسط متکلمان برجسته پروتستان به آنها وارد شده بود پاسخ دهد و سعی کند بسیاری از نوکیشانی را که به مسیحیان پروتستان تبدیل شده بودند، دوباره جذب کند. این دوره تاریخی، ضد اصلاحات نامیده شد.

همزمان با اصلاحات متقابل، و برای چندین دهه پس از آن، کلیسای کاتولیک، با همکاری پادشاهان کاتولیک در سراسر اروپا، که بخشی از امپراتوری مقدس روم بودند، با نیروی نظامی علیه تأثیرات گسترده اصلاحات پروتستانی تلافی کردند. در طول اصلاحات متقابل، و در چندین کشور در اروپا، نبردها و قتل‌عام‌هایی توسط ارتش‌های کاتولیک در تلاش برای ریشه‌کن کردن نفوذ پروتستان‌ها در امپراتوری مقدس روم انجام شد. در انگلستان، سیاست‌های پادشاه چارلز اول، خواستار یک حکومت کاتولیک سختگیرانه برای بازپس‌گیری کنترل کشور بود.

پادشاه و وفادارانش خود را در مخالفت شدید با پارلمان تحت کنترل پروتستان‌ها یافتند. در نتیجه، در سال جنگ داخلی در انگلستان بر سر اساسی‌ترین مسئله چگونگی حکومت بر کشور درگرفت. در این برهه از ۱۶۴۲ زمان، کرامول رهبر نظامی اصلی ارتش پروتستان انگلستان بود.

او و ارتش عوام او، ارتش نمونه جدید، به دلیل موهای کوتاه و کوتاهشان و همچنین به دلیل حذف اسقف‌ها، و کاتولیک‌ها، اشراف مجلس اعیان از پارلمان، به طور تمسخرآمیز «کله‌گردها» نامیده می‌شدند. در مقابل ارتش پادشاه عمدتاً از زمین‌داران ثروتمند تشکیل شده بود و درصد زیادی از سربازان آنها سوار بر اسب بودند. پروتستان‌ها، که با نیروهای سواره نظام اسپانیایی، کابالروس‌ها، که چند سال قبل یک کارزار وحشیانه آزار و اذیت علیه پروتستان‌های هلندی انجام داده بودند، آشنا بودند، شروع به اشاره تحقیرآمیز به نیروهای شاه چارلز به عنوان کابالروس کرده بودند.

است و این اصطلاح تمسخرآمیزی بود که توسط ارتش پروتستان Cavaliers اصطلاح کابالروس در انگلیسی را دوست داشت و خیلی زود پادشاه و Cavaliers رواج یافت. با این حال، پادشاه چارلز اول اصطلاح را به عنوان عنوانی برای غرور نظامی خود برگزیدند. تحت رهبری Cavaliers سوارکاران وفادار، اصطلاح کرامول به عنوان سپهبد و فرمانده مشترک او، سر توماس فیرفکس، ارتش نمونه جدید ۲۰۰۰۰ نفری پارلمان آماده شد تا با ارتش سواره نظام پادشاه مقابله کند.

کرامول که دشمنانش او را فردی مذهبی و عجول توصیف می‌کردند، ارتش خود را با نظم و انضباط سختگیرانه‌ی خشکه مقدسی اداره می‌کرد، که شامل تمرین روزانه‌ی خواندن سرودهای مذهبی، گوش دادن به موعظه‌ها و خودداری از نوشیدن هرگونه الکل می‌شد. سلطنت‌طلبان با تمسخر، ارتش نمونه‌ی جدید را مسخره می‌کردند و به خاطر تکان دادن مداوم سرشان در دعا، آنها را رشته‌فرنگی می‌نامیدند، اما نظم و انضباط خشکه مقدسی، نیروهای پروتستان را به ارتشی منظم و متمرکز تبدیل کرد. در نبردهای پی‌در پی با نیروهای پادشاه، ارتش نمونه‌ی جدید پیروز می‌شد.

نبرد نهایی جنگ داخلی در ۱۴ ژوئن ۱۶۴۵ در ناسبی رخ داد، جایی که نیروهای کرامول ۵۰۰۰ زندانی و یک انبار جواهرات سلطنتی به ارزش ۱۰۰۰۰۰ پوند انگلیس را به اسارت گرفتند. آنها همچنین مکاتبات خصوصی پادشاه را که محتوای آن خیانت نهایی پادشاه به اتباع پروتستانش را نشان می‌داد، بازپایی کردند. کرامول و

پروتستان‌های پارلمان از این موضوع بسیار خشمگین شدند و از مکاتبات خصوصی پادشاه برای محکوم کردن او استفاده کردند.

کرامول با قلدری پارلمان را مجبور به امضای حکم اعدام پادشاه کرد. او با فریاد از آنها خواست که از مجازات صرف نظر کنند، جوهر را به سمت آنها پرتاب کرد و در یک مورد، دست یک فرد شکاک را تا زمان امضا پایین نگه داشت. تمام وفاداران و متحدان پادشاه از محاکمه پادشاه در آنچه که به پاکسازی غرور معروف شد، منع شدند.

کرامول سرسخت، پادشاه را محاکمه کرد و او را به عنوان یک مستبد، خائن، قاتل و دشمن مردم خوب این ملت گناهکار شناخت. شاه چارلز اول به دلیل جنایاتش علیه مردم به اعدام با سر بریده محکوم شد. با این حال، این اعدام تأثیر تکان‌دهنده‌ای بر مردم انگلستان داشت.

جمعیتی که برای تماشای اعدام او جمع شده بودند، با دیدن اجرای حکم اعدام پادشاه خودشان، مات و مبهوت شدند. حتی فکر اعدام یک پادشاه انگلیسی برای مردم عادی بسیار نگران‌کننده بود، حتی با وجود اینکه آنها با بسیاری از تصمیمات دوران سلطنت او مخالف بودند. چارلز اول تنها پادشاه انگلیسی بود که تا به حال با محاکمه محکوم و اعدام شد.

اعدام چارلز اول، قابل توجه‌ترین رویداد در طول تاریخ انگلستان بود و فردی که آن را به وقوع پیوست، الیور کرامول، قابل توجه‌ترین مرد بود. کرامول، رهبر پروتستان‌ها، بر اشراف پیروز شد و کنترل مذهبی سختگیرانه‌ای را بر ملت اعمال کرد که نشان دهنده کالوینیسم عمیق و سفت و سخت کرامول بود. مجموعه‌ای از آرا پس از اعدام چارلز اول منجر به لغو سلطنت و مجلس اعیان پارلمان شد و در ماه مه ۱۶۴۹، انگلستان به عنوان یک کشور مشترک المنافع اعلام شد.

در طول دو سال بعد، کرامول لشکرکشی‌های بی‌رحمانه‌ای را در ایرلند برای سرکوب شورش کاتولیک‌های ایرلندی در آنجا رهبری کرد. سربازان او تمام روستاها را قتل عام کردند و چنان وحشیانه با کاتولیک‌ها رفتار کردند که کینه از نام کرامول توسط کاتولیک‌های ایرلندی هنوز هم در دوران مدرن وجود دارد. در طول جنگ داخلی شش ساله انگلستان، پروتستان‌های راوندهد به رهبری کرامول در سی نبرد متوالی پیروز شدند، در حالی که کوالیرز هرگز حتی یک پیروزی هم به دست نیاورد.

در طول جنگ داخلی شش ساله، هر زمان که کرامول از نبرد میدانی پیروزمندانه به لندن بازمی‌گشت، به خاطر نبوغ نظامی‌اش مورد تحسین گسترده قرار می‌گرفت. در نتیجه، کرامول بارها توسط بسیاری از پیروانش ترغیب می‌شد که تاج و تخت بریتانیا را تصاحب کند، اما او قاطعانه و مکرراً امتناع می‌کرد و اصرار داشت که تاجگذاری برخلاف تمام چیزهایی است که او به عنوان رهبر مردم و مدافع اصول اساسی دموکراسی و پیوریتانیسم برای آنها ایستاده است. در دسامبر ۱۶۵۳، کرامول به عنوان لرد محافظ انگلستان انتخاب شد و هنگامی که عنوان خود را پذیرفت، لباس سیاه ساده پوشید تا از تلقی شدن این رویداد به عنوان تاجگذاری جلوگیری کند.

کرامول، فرمانده نظامی، از حاشیه قدرت سیاسی، به عنوان یک کالوینیست سرسخت، اصلاحات مذهبی را ترویج می‌کرد. اما هنگامی که به رهبری پارلمان انتخاب شد، مجموعه‌ای از قوانین میانه‌رو و اصلاحات مترقی را در داخل کشور وضع کرد و قدرت و فرصت را به طبقه متوسط رو به رشد توزیع نمود. کرامول تنها شانزده ماه به عنوان لرد محافظ انگلستان خدمت می‌کرد که خبر قتل عام والدوسی‌ها در عید پاک ۱۶۵۵ در سرزمین‌هایشان در اوایل ماه مه همان سال به گوش همه رسید.

کرامول و منشی‌اش، جان میلتنون، با چابکی واکنش نشان دادند و خیلی زود، خبر این قتل عام در سراسر کشورهای پروتستان اروپا طنین‌انداز شد. این نقطه تلاقی بین الیور کرامول و مردم والدنسیان است، در نتیجه طاعون سیاه که جمعیت والدنسیان را در دهه ۱۶۳۰ در سراسر کوه‌های آلپ کوتین ویران کرد، چهارده نفر از شانزده کشیش منصوب والدنسیان جان باختند و جوامع کاملاً مذهبی در سراسر منطقه را از رهبری معنوی محروم کردند.

در پاسخ به درخواست کمک از ژنو، کلیسای اصلاح‌شده سوئیس چهارده کشیش جدید هوگنوت فرانسوی‌زبان را از حوزه علمیه ژنو برای پر کردن منبرهای خالی کلیساهای والدوسیایی فرستاد. در طول دو دهه بعدی، تنش‌ها بین جوامع والدوسیایی، به رهبری کشیشان اصلاح‌شده سوئیس سخنور، علیه حاکم کاتولیک خود، دوک ساووی، که رعایای والدوسیایی خود را تهدیدی مذهبی و سیاسی می‌دانست، افزایش یافت. با گذشت زمان، خاندان ساووی به طور فزاینده‌ای آزادی‌هایی را که در پیمان کاوور در سال ۱۵۶۱ به والدوسیایی‌ها داده شده بود، سرکوب کرد.

در اوایل دهه ۱۶۵۰، مدارای دوک کاتولیک نسبت به رعایای والدنسیان منجر به صدور دستور اعمال محدودیت‌های شدید بر والدنسیان‌ها در داخل و اطراف سرزمین مادری‌شان شد. بیش از ۱۰۰۰ خانواده والدنسیان که برای زندگی در مناطق مرزی سرزمین مادری خود گسترش یافته بودند، مجبور به بازگشت به محدوده جغرافیایی آنچه که به عنوان گتوی والدنسیان شناخته می‌شود، شدند. خشم و عصبانیت شعله‌ور شد و اختلافاتی از هر دو طرف بروز کرد و به زودی خاندان ساووی با دستور دادن به ۴۰۰۰ سرباز ساوویاری به رهبری مارکی دو پینز به دره‌ها، با هدف علنی نشده حذف کامل تمام والدنسیان‌ها و اسکان مجدد وفاداران کاتولیک در سرزمین مادری‌شان، به این امر واکنش نشان داد.

پینز یک فرمانده نظامی بی‌وجدان و بی‌اثر بود و رهبری بی‌انضباط او بعدها باعث ایجاد هرج و مرج و آشفتگی در اجرای دستورات علیه والدوسی‌ها شد. نیروهای ساوویارد پینز همچنین شامل گروهی از سربازان کاتولیک ایرلندی خشمگین بودند که به خاطر آزار و اذیت وحشیانه چند سال قبل کاتولیک‌های ایرلندی توسط نیروهای کرامول، در فکر انتقام بودند. پینز و فرماندهانش نقشه‌ای مخفیانه برای نفوذ به جوامع والدوسی طراحی کرده بودند و هر خانواده والدوسی را مجبور می‌کردند که سربازان را در خانه‌های خود اسکان دهند، با این وعده که مذاکرات برای یک توافق صلح‌آمیز در آینده نزدیک انجام خواهد شد.

با این حال، سربازان مستقر در خانه‌های شهروندان والدنسیایی برای قیام در ساعت ۴ صبح روز عید پاک آوریل ۱۶۵۵، در حالت آماده‌باش قرار گرفتند و به آنها دستور داده شد که هر مرد، زن و کودک ۱۲ والدنسیایی را در خانه‌هایشان قتل عام کنند. این دستور همان صبح در دره لوسرن به طرز وحشیانه‌ای اجرا شد و پس از آن سه هفته حکومت وحشت برقرار شد که منجر به قتل عام هزاران نفر در سراسر سرزمین‌های والدنسیایی شد. بازماندگان والدنسیایی این خبر را به ژنو رساندند و ظرف سه هفته پس از قتل عام عید پاک، خبر به انگلستان و الیور کرامول رسید.

کرامول دستور داد گزارش کاملی به صورت کتبی تهیه شود که جزئیات قتل عام والدوسیان را شرح دهد و آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از یافته‌های رسمی ارائه شده به کرامول است. هیچ تمایزی بین سن یا جنسیت قائل نشد، حتی اگر فرزندی وجود داشته باشد. صرف نظر از اینکه آنها ثروتمند یا فقیر، تحصیل کرده یا بی‌تحصیل بودند، خیانتی که در پی آن رخ داد شامل بسیاری از کسانی شد که خانه‌هایشان با آنها در آتش سوخت.

برخی از پاهایشان آویزان شدند، برخی دیگر تکه تکه شدند. برخی زخم‌ها را بریدند و بریدند، و سپس نمک و فلفل را روی زخم‌هایشان ریختند و دوباره پیراهن‌هایشان را پوشیدند. برخی را برهنه کردند و به همراه بسیاری دیگر بستند و از کوه‌ها به پایین غلتیدند.

برخی به زمین میخکوب شدند، برخی دیگر به تیرک‌های چوبی آویخته شدند. به بسیاری از زنان تجاوز شد و سپس سرشان از بدنشان جدا شد. کودکان از کوه‌ها به پایین پرتاب شدند و برخی دیگر توسط سربازان تکه تکه شدند.

نوزادان را به هوا پرتاب می‌کردند و با نیزه‌های برخی از سربازان شاخ می‌زدند. پس از پایان کار در دره لوسیرنا، دره پلیچی، به دره‌های پرو، دره چیسونه و دره سن مارتین-ژرمانوسکا رفتند و در آنجا به مردم دستور دادند که در مراسم عشای ربانی شرکت کنند یا ظرف ۲۴ ساعت تبعید شوند. هنگامی که جزئیات این قتل عام و حکومت سه هفته‌ای وحشت پس از آن علیه والدین‌ها در سراسر اروپای پروتستان مشخص شد، واکنش، خشم شدید رهبران و شهروندان ملت‌هایی بود که با پروتستانتیسیم همسو بودند.

منشی شخصی کرامول، شاعر و نویسنده، جان میلتون بود. میلتون از دهه ۱۶۴۰، قدیمی‌ترین کلیساهای اصلاح‌شده، یعنی والدنسیزها، را مطالعه کرده بود. او از مطالعات خود، پیوندهایی را در آنها با ریشه‌های کلیسای واقعی مسیحیت باستان حدس زد.

میلتون پس از خواندن گزارش شاهدان در دره‌های والدنسیا که شاهد جنایات ثبت‌شده بودند، از کرامول فرمان‌های قاطعی خطاب به رهبران پروتستان در سوئد، دانمارک، هلند، سوئیس و ترانسیلوانیا نوشت و در آنها حمایت معنوی و مادی را برای استراتژی کرامول در اعمال فشار دیپلماتیک شدید بر خاندان ساووی جلب کرد. پاسخ این ملت‌ها سریع و قاطع بود. میلتون همچنین شرح بسیار مفصلی از جنایات علیه سربازان ساووی نوشت و کیفرخواستی تند و تیز علیه رهبری خاندان ساووی تنظیم کرد.

واکنش یکپارچه و شدید رهبران پروتستان در اروپا علیه دوک توسط خاندان ساووی کاملاً غیرمنتظره بود. میلتون همچنین غزل معروف خود را در مورد قتل عام در پیمونت سروده است که به این شرح است: ای پروردگار، انتقام مقدسین قتل عام شده خود را که استخوان‌هایشان در کوه‌های آلپ سرد پراکنده است، بگیر حتی در آن زمان، که از دیرباز حقیقت خود را چنان پاک نگه داشته‌اید که همه پدران ما چوب و سنگ را می‌پرستیدند، ناله‌های آنها را در کتاب خود فراموش نکن.

پیدمونتی‌های خونین که مادر و نوزاد را از صخره‌ها به پایین غلتاندند، کشته شدند، ناله‌هایشان پرده‌ها را تا تپه‌ها دوچندان کرد، و آنها را به آسمان. خون و خاکستر شهیدشان، یا تمام مزارع ایتالیا خاموش شد، تا ستمگر سه‌گانه از اینها رشد کند و صدچندان شود. کسانی که راه تو را زود آموخته‌اند، می‌توانند از اندوه بابل رهایی یابند.

کرامول عمیقاً برای والدوسی‌ها متأسف شد و از گزارش‌های مربوط به قتل عام‌های والدوسی به رهبری نیروهای ساووی بسیار خشمگین شد. او فرستاده ویژه‌ای با مقام دیپلماتیک، سر ساموئل مورلند تورین، را برای ملاقات با دوک در سراسر بریتانیای پروتستان اعزام کرد. کرامول دستور داد گزارش کاملی با عنوان مجموعه اسناد ارسال شده به اعلیحضرت، لرد محافظ مشترک المنافع انگلستان، در مورد قتل عام‌های «خونین و وحشیانه پروتستان‌های ساکن در دره پیمونت، تهیه شود.

و او دستور داد که این سند در هر کلیسای پروتستان پخش و خوانده شود. این سند همچنین با دیگر رهبران اروپایی به اشتراک گذاشته شد. این سند، به همراه غزل میلتون، باعث شد که اروپای پروتستان، رفتار دوک ساووی با اتباع خود را محکوم کند و آن را متحد سازد.

کرامول همچنین دستور داد که در ۱۴ ژوئن ۱۶۵۵، به یاد قربانیان قتل عام عید پاک، روزی برای روزه تحقیر و دعا تعیین شود. در همان روز، کرامول خواستار جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای تسکین

والدنی‌های رنج‌دیده و تحت آزار و اذیت شد که اگر هنوز زنده بودند، اکنون با همسران و فرزندان خود در گرسنگی، سرما و برهنگی سرگردان بودند. در سراسر اروپا، اخبار قتل عام و جزئیات داستان‌های متعدد جنایات به طور گسترده با مردم به اشتراک گذاشته شد و شهروندان آن کشورها از دولت‌های خود خواستند که فشار دیپلماتیک بر خاندان ساووی و رفتار بی‌رحمانه آن با اتباع خود اعمال کنند.

واکنش سریع کشورهای چندملیتی و محکومیت رفتار خاندان ساووی با اتباع خود، دربار دوک را غافلگیر کرد و آنها را کاملاً غافلگیر نمود. میلتون سخنرانی‌ای به زبان لاتین آماده کرد که قرار بود توسط مورلند خطاب به خاندان ساووی ایراد شود. در این سخنرانی، او تمام خویشتن‌داری‌های دیپلماتیک را کنار گذاشت و خشم کامل خود را علیه رفتار دوک با اتباع خود ابراز کرد.

گزیده زیر لحن نامه را منتقل می‌کند. آه، خانه‌های آتش‌گرفته‌ای که هنوز دود می‌کنند، اعضای تکه‌تکه‌شده، زمین آلوده به خون. فرشتگان از وحشت می‌لرزند.

انسان‌ها شگفت‌زده‌اند. گویی آسمان از ناله‌های مردان در حال مرگ شگفت‌زده شده و زمین از شرم سرخ شده است. باکره‌ها مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.

آدم‌خواری. پیرمردان بستری زنده زنده سوزانده می‌شدند. نوزادان به صخره‌ها برخورد می‌کردند یا گلویشان بریده می‌شد.

این موارد و موارد وحشتناک دیگر در سخنرانی ذکر شده است. مورلند با خواندن این سخنرانی در برابر دربار دوک، سخنان خود را با این کلمات به پایان رساند: ای خدای متعال، به خاطر شرارت‌های عظیم و تبهکاری‌های وحشتناک، به انتقام یا پناهی مبر

بگذار خون تو، ای مسیح، این خون را بشوید. چارلز امانوئل دوم، دوک ساووی، که در آن زمان بیست و یک ساله بود، خود از نظر سیاسی ناتوان بود. مادرش، مادام رویال، کنترل اوضاع را به دست گرفت و از طرف خاندان ساووی با تردید و بی‌اعتنایی به صحت گزارش‌ها پاسخ داد.

حتی فرانسه نیز توسط انگلستان تحت فشار قرار گرفت و تهدید کرد که برای ایجاد توافق بین خاندان ساووی و والدوسیان، مانع از انعقاد معاهده جداگانه‌ای بین دو ملت خواهد شد. اما خاندان ساووی ماهرانه هرگونه تلاش برای مذاکره را به تأخیر انداخت. کرامول در حالی که منتظر یک توافق دیپلماتیک بود، برای تحت فشار قرار دادن نتیجه‌ای مطلوب برای والدوسیان، حتی سوئیزی‌ها را ترغیب کرد که به ساووی حمله کنند.

اما سوئیزی‌ها از وقوع جنگ داخلی با خاندان ساووی نگران بودند، زیرا چندین کانتون جنوبی آنها در استان‌هایی تحت کنترل ساووی بود. هفته‌ها گذشت و دیپلمات‌های پروتستان برای تصویب یک معاهده سریع تلاش کردند. در اواخر اوت ۱۶۵۵، خاندان ساووی نوعی آتش‌بس پیشنهاد داد که با آکراه امضا شد. دیپلمات‌های پروتستان به وضوح این پیشنهاد را برای والدوسی‌ها نامطلوب دانستند.

کرامول با تأخیر و مانورهای ضعیف از میدان خارج شده بود. کرامول که از شکست دیپلماتیک ناامید شده بود، به پناهندگان والدوسیان پیشنهاد داد که در سرزمین‌هایی در ایرلند که او و سربازانش چند سال قبل فتح کرده بودند، اسکان داده شوند. از قضا، این سرزمین‌ها قبلاً متعلق به کاتولیک‌های ایرلندی بودند و ساکنان آنها خود توسط وحشیگری یک ارتش پروتستان در منطقه‌ای عمدتاً کاتولیک در ایرلند شمالی کشته یا تبعید شده بودند.

با این حال، والدنسیان‌ها به هیچ طرح اسکانی که آنها را از سرزمین‌های محبوبشان دور کند، علاقه‌ای نداشتند. تأملات بعدی جان میلتون با خواندن تنها تاریخ موجود در زمان خود در مورد مردم والدنسیان نوشته پیر گیلز و منتشر شده در سال ۱۶۴۴، کاملاً معتقد بود که ریشه‌های والدنسیان‌یسم به قرن چهارم میلادی و اهدای کنستانتین به پاپ سیلوستر بازمی‌گردد.

میلتون و کرامول هر دو قاطعانه معتقد بودند که والدنسیان‌ها کلیسای حقیقی هستند که ریشه در دوران باستان دارند. اشتیاق عمیق آنها به پروتستان‌یسم پیوریتانیستی، آنها را به این باور رسانده بود که دفاع از والدنسیان‌های تحت آزار و اذیت، دفاع از خود ایمان واقعی مسیحی است. مکاتبات میلتون با سران کشورهای پروتستان همراه با رهبری سیاسی قاطع و قاطع کرامول در میان اروپای پروتستان، به این معنی بود که اروپای پروتستان نیز به این باور رسیده بود که والدنسیان‌ها نیز حافظان باستانی مسیحیت بوده‌اند.

در زمان و زمان آنها، اعتقاد عمومی بر این بود که حمله به والدوسیان، حمله به بدن خود مسیح است. به عبارت دیگر، کرامول و میلتون هر دو معتقد بودند که دفاع از والدوسیان، دفاع از جوهره مسیحیت است. تنها با درک این واقعیت می‌توانیم اهمیت عمیق‌تر نفوذ کرامول و میلتون بر سیاست و قدرت اروپا در زمان خود را درک کنیم.

تحت رهبری قاطع کرامول، که با هوش میلتون و از طریق قدرت قلم او برای تأثیرگذاری بر احساسات عمومی تقویت شده بود، اروپای پروتستان به عنوان یک نیروی قدرتمند در دفاع از پناهندگان والدنسیان بسیج شد. در آن زمان، این سطح از وحدت دیپلماتیک پروتستان در تاریخ اروپا بی‌سابقه بود. با توجه به حساسیت‌های امروزی ما، می‌توانیم به راحتی ناسازگاری‌ها و معیارهای دوگانه‌ای را که در شخصیت کرامول و رهبری سیاسی و نظامی او وجود دارد، تشخیص دهیم.

همان مردی که رهبری نظامی‌اش دستور نابودی کل جوامع کاتولیک را با نیروی وحشیانه و ویرانگر صادر کرد، در عرض چند سال کوتاه تغییر جهت داد و حمایت مالی از هر کلیسای پروتستان در انگلستان را هماهنگ کرد. و مداخله سیاسی ملت‌های پروتستان در سراسر اروپا را در دفاع از والدوسی‌های تحت آزار و اذیت برانگیخت. مدارای او به عنوان لرد حامی فرقه‌های مختلف پروتستان، که در قرن هفدهم در انگلستان به دنبال آزادی مذهبی بودند، تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه حقوق آزادی‌های مذهبی در بریتانیا داشت. در حالی که عدم تحمل او نسبت به مخالفان سیاسی‌اش در پارلمان، که بی‌رحمانه هدف قرار می‌گرفتند و علناً مورد تمسخر قرار می‌گرفتند، تاکتیک‌های یک دیکتاتور سیاسی بی‌رحم را نشان می‌داد.

کرامول در شور و اشتیاق شدید خود برای ایمان پاک‌دینانه‌اش، نسبت به رفتار خشن و نابودی کل جوامع کاتولیک کور بود. با این حال، کرامول در بحبوحه اصلاحات ضد مذهبی زندگی می‌کرد، زمانی که کلیسای کاتولیک روم به همان اندازه یا حتی بیشتر، درگیر قتل عام کل جوامع پروتستان بود. کاتولیک رومی دشمن مرگبار و خطرناک پروتستان‌یسم بود، همانطور که در قانون قتل عام وحشیانه علیه والدوسیان مشهود است.

نه کاتولیک‌ها و نه پروتستان‌ها، هیچ‌کدام نمونه‌ی صلح مسیح نسبت به یکدیگر نبودند. بلکه هر دو طرف از خواست خدا برای همزیستی مسالمت‌آمیز کوتاهی کردند. از بسیاری جهات، الیور کرامول یک رهبر نظامی و سیاسی درخشان در انگلستان بود و بدون شک به عنوان محافظ والدنسی‌ها در یکی از آسیب‌پذیرترین و تهدیدآمیزترین نقاط آنها در تمام تاریخ ۸۵۰ ساله‌شان خدمت کرد.

بدون خدمت کرامول و میلتون به عنوان مدافعان بین‌المللی پروتستان برای والدوسیان در اواخر دهه ۱۶۵۰ بقای آنها به عنوان یک ملت با آینده‌ای بسیار خطرناک‌تر مواجه می‌شد. به طور خلاصه، کرامول یک معما در تاریخ بریتانیا و اروپا بود. او در هسته ایمان خود، در برابر خدا و مردم فروتن ماند، همانطور که در امتناع

مکرر او از پذیرش تاج و تخت انگلستان با وجود تشویق‌های قوی و مداوم بسیاری از فعالان سیاسی و شهروندان نشان داده شد.

اگرچه او در برخورد با مخالفان سیاسی خود از قدرت سوءاستفاده می‌کرد و فشار زیادی را علیه سیاستمداران مردم‌درد زمان خود اعمال می‌کرد، اما سیاستمداری مترقی بود که به دنبال پیشبرد دموکراسی برای عموم مردم بود. در نهایت، کرامول در طول سلطنت کوتاه پنج ساله خود به عنوان لرد محافظ انگلستان و در نقش خودخوانده‌اش به عنوان لرد محافظ والدنسیان‌ها، بیش از پادشاهان بریتانیا یا هر رهبر دیگری پیش از خود برای ترویج اصول دموکراسی برای مردم عادی انگلستان تلاش کرد. به همین ترتیب، او و جان میلتون در اوج اصلاحات متقابل، بیش از هر رهبر غیر والدنسیان دیگری، برای برجسته کردن آزار و اذیت علیه والدنسیان‌ها و آرمان آنها در اروپای پروتستان تلاش کردند.

اما ما این گنج را در کوزه‌های سفالی داریم تا روشن شود که قدرت خارق‌العاده متعلق به خداست و به ما تعلق ندارد. یک پاورقی جالب، کرامول، به عنوان لرد محافظ، بر اساس این فرض که بر اساس آنچه برای مردم خوب بود عمل کند و نه آنچه توده مردم را خوشحال می‌کرد، بر انگلستان حکومت می‌کرد. و تقریباً پنج سال، او به زور رژیم غذایی سنگینی از خداپرستی به مردم خوراند.

تمام ورزش‌های یکشنبه ممنوع و محدودیت‌هایی برای فروش الکل اعمال شد و جرایم غیراخلاقی به صورت عمومی مجازات شدند. انتظارات و محدودیت‌های مذهبی اعمال شده توسط پارلمان تحت کنترل پیوریتن‌ها در دهه ۱۶۴۰ شامل ممنوعیت جشن کریسمس به عنوان فصلی از شادی و نشاط بود. این امر تا حدودی تلاشی برای نشان دادن تسلط کامل بر تمام نفوذ کاتولیک‌ها در کشور بود، اما همچنین نتیجه تحمیل یک قانون رفتاری سختگیرانه کالوینیستی بر مردم بود.

در نتیجه پیروزی بر ارتش پادشاه در ناسبی در سال ۱۶۴۵، کرامول و پیروان وفادارش هر عملی را که مانع کاتولیک‌ها می‌شد، از جمله جشن کریسمس به عنوان یک جشن شادی، ممنوع کردند. تصنیف زیر در ماه‌های پس از پیروزی در ناسبی نوشته شده است و نه تنها مخالفت شهروندان کاتولیک رومی، بلکه آغاز مقاومت «پروتستان‌ها در برابر ریاضت پیوریتنیسم انگلیسی قرن هفدهم را منعکس می‌کند. نام آن «جهان وارونه است» است.

به من گوش کن، و خواهی شنید، از زمان هیروودیس، قیصر و بسیاری دیگر، در این هزار سال هیچ خبری نبوده است، تو هرگز چنین چیزی نشنیده‌ای. روزهای مقدس تحقیر می‌شوند، مدهای جدید ابداع می‌شوند، و ای کریسمس از شهر بیرون رانده می‌شود، با این حال بیایید راضی باشیم، و زمانه ناله می‌کند. می‌بینی، دنیا وارونه شده است.

مردان خردمند از دیدن میلاد ناجی ما مسیح شادمان شدند، فرشتگان مژده آوردند و چوپانان شادی کردند و سرود خواندند. بگذارید همه مردان صادق از آنها الگو بگیرند، چرا ما باید از قوانین خوب پیروی کنیم؟ با این حال، بیایید راضی باشیم و زمانه ناله کند. می‌بینید، دنیا وارونه است.

فرمان داده شده است؛ ما باید اطاعت کنیم و کاملاً فراموش کنیم، ای روز کریسمس، هزار مرد را بکش یا شهری را بازپس بگیر. ما شکر و ستایش خواهیم کرد، آمین. دیگ شراب به صدا در خواهد آمد، و ما جشن خواهیم گرفت و خواهیم نوشید، و سپس تصورات عجیب و غریب فراوان خواهد شد.

با این حال، بیایید راضی باشیم و زمانه ناله می‌کند. می‌بینید، دنیا وارونه شده است. اربابان و شوالیه‌های ما، و همچنین اشراف، واقعاً می‌خواهند از مدهای قدیمی دست بکشند.

آنها دربان را بر دروازه می‌گمارند و هیچ‌کس نباید از سمت راست وارد شود. آنها ورود فقرا را گناه می‌دانند؛ خودِ مهمان‌نوازی هم از بین رفته است. با این حال، بیایید راضی باشیم و روزگار ناله می‌کند

. می‌بینی، دنیا وارونه شده. خدمتکاران می‌نشینند و ناله می‌کنند و فکر می‌کنند وقت شام موروثی است. پیشخدمت هنوز از سر راه برداشته شده و گرنه خانم من کلید را نگه می‌دارد

آشپز پیر و بیچاره توی انبار غذا نگاه می‌کند. کجا هیچ خوبی پیدا نمی‌شود؟ با این حال، بیایید راضی باشیم و زمانه ناله می‌کند. می‌بینید، دنیا وارونه شده است

در پایان، به شما می‌گویم که خبر درست است. کریسمس در نبرد نیسی کشته شد. خیریه هم همزمان به قتل رسید

جک دلتروث، یکی از دوستان من، نیز در آن زمان مُرد. گوشت گاو کبابی و پای ریش‌ریش شده، خوک، غاز و کاپون؛ هیچ تکه‌ای پیدا نشد. با این حال، بیایید راضی باشیم و زمانه افسوس می‌خورد

می‌بینید، دنیا وارونه شده است. به نام پدر و پسر و روح القدس، آمین. این کار بزرگی در تدریس تاریخ والدوسیان توسط اوست

، این دکتر کوین فردریک است در تدریسش در مورد تاریخ والدوسیان. این جلسه یازدهم است، لرد محافظ، الیور کرامول